

خصوصیت مسئولین مملکتی از دیدگاه حضرت علی (ع)

همانا بدترین وزاری تو کسانی هستند که وزیر اشرا را پیشین بوده، و کسانی که گناهان آنان را بخود نزدیک نمائی زیرا آنان نباید گناهکاران و برادر ستمگران بوده اند و تو میتوانی بهترین جایگزین را برای آنان بیابی از کسانی که دارای علم و کاربردی همانند آنان می باشند ولی گناه و سوء سابقه آنان را ندارند و هیچ ستمگری را در ستم و هیچ گناهکاری را در کار زشت، یاری نکرده اند، اینان برای تو کم خرج ترین و از نظر کمک بهترین یاور خواهند بود و اینان بیشترین میل و رغبت را بتو داشته و کمترین نظر را به دشمنان تو دارند! پس اینان را بعنوان مشاوران و نزدیکان آشکار و نهان خود، انتخاب کن!

به راستی که سخن امام علی (ع)، بعد از وحی الهی و کلام پیامبر، بالاترین سخن است و برای همیشه راهنمای بشریت خواهد بود. گویا انسان امام علی (ع) را در مقام رهبری انقلاب ایران می نگرد و مالک اشتر را مأمور تشکیل دولت! و گویا تجربیات تمامی انقلابات قرن ۱۹ و ۲۰ در ۱۴ قرن قبل از آن منعکس بوده است که چنین با دقت دستور گزینش وزراء و مقامات سطح بالا را صادر می فرماید، امام (ع) تاکید می فرماید که بدترین وزیران و مشاوران کسانی هستند که در دوران «اشرا» و «ستمگران» دارای پست و مقامی بوده و در ستمگری آنان بنحوی سهم و یا شریک بوده اند و اینان از دیدگان امام علی (ع) به هیچ وجه نباید به کار گرفته شوند بلکه باید بجای آنان افرادی که علم و تجربه آنان را داشته و سوء سابقه آنان را ندارند بکار گمارده شوند. بنگرید که چه زیبا دعوی «تقوا» و «تخصص» را حل

و هرگز با «بخیل» مشورت نمائید که ترا از احسان و بذل باز میدارد و ترا از فقر می ترساند و همینطور با «ترسو»، زیرا تو را به ضعف می کشاند. و با حریص نیز مشورت مکن زیرا از روی طمع ستم را در نظر تو جلوه گر میسازد، و همانا بخل و ترس و حرص مسائل مختلفی میباشد که علت اصلی آن «سوء ظن» بخداوند است.

و چنین است که در حکومت اسلامی افراد بخیل و ترسو و حریص حتی نباید مورد مشورت قرار گیرند زیرا اینها بعثت سوء ظن که بخداوند دارند موجب تضعیف امور و ایجاد فقر در جامعه را

در قسمتهای پیشین به بررسی منشور حکومتی امام علی (ع) به سردار رشیدش مالک اشتر پرداختیم و محورهای اصلی بحث را که عبارت از «عبودیت» «تقوی»، «پرهیز از خود محوری»، و ویژه گی «مردم دوستی» بود. مورد بررسی قرار دادیم، و در شماره پیش به بررسی طبقات اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع) پرداختیم و گفتیم از نظر امام علی (ع) اصولا مردم به دو دسته «عامه» و «خاصه»: توده های مردم و اقلیتهای زرمند و زورمند، تقسیم میگردد و حضرت رابطه این دو دسته را با حاکم اسلامی گوشزد فرمودند که:

هیچکس از مردم، بر حاکم سنگین بارتر در راحتی، کم کمک کننده تر در سختی، ناراحت تر از عدالت، پراصرارتر در

امام علی (ع) تاکید می فرماید که بدترین وزیران و مشاوران کسانی هستند که در دوران «اشرا» و «ستمگران» دارای پست و مقامی بوده و در ستمگری آنان بنحوی سهم و شریک بوده اند، اینان بهیچوجه نباید بکار گرفته شوند بلکه باید افرادی که دارای علم و تجربه کافی بوده ولی دارای سوء سابقه نیستند، بکار گمارده شوند.

ایجاد می نمایند و بدتر از همه اینکه اینان بعثت نداشتن ایمان به خداوند و بی اعتقاد بودن به سنتهای الهی همچون «طاغوت» و «ستمگران» می اندیشند و ستم را در نزد حاکم اسلامی، خوب جلوه داده و او را ترغیب به ستمگری می نمایند و بهمین جهت حاکم اسلامی چنین افرادی را نباید مورد مشورت قرار بدهد، و شاید این اولین مسئله اجرایی میباشد که در مقابل حاکم قرار میگیرد که مشاورینش چه کسانی باشند؟ و همکاران و وزرایش چه کسانی؟ و حضرت بعد از بیان سه ویژه گی منفی فوق که نباید در مشاوران حاکم اسلامی باشد مطلب را ادامه داده و چنین می فرماید:

خواستن، کم سپاس تر از بخشش، دیر عذر پذیرنده تر در هنگام رد و کم طاقت تر در هنگام سختی های روزگار، از اهل خاصه نیست و همانا ستون دین و جمعیت مسلمین و آمادگان برای نبرد «عامه» و توده های مردم هستند که تو باید همراه با آنان بوده و تمامی علاقه و کوشش تو نسبت به آنان باشد...

و اکنون پس از یادآوری نکات مزبور به ادامه نامه امام علی (ع) به مالک اشتر می پردازیم، امام در دنباله نامه چنین می فرماید:

نموده است؛ حضرت علی (ع) ویژه گی های افرادی را که در رژیم طاغوت صاحب مقام نبوده اند ولی دارای صلاحیت علمی و تقوایی هستند، در مقایسه با مقامات رژیم طاغوت نسبت به حاکم اسلامی در چند خصوصیت زیر می داند:

۱- اینان برای حاکم اسلامی کم خرج ترین و کم توقع ترین افراد می باشند ۲- اینان نسبت به حکومت اسلامی بهترین یاور بوده و بیشترین تلاش را خواهند نمود ۳- اینان بیشترین میل و رغبت و علاقه را نسبت به رژیم اسلامی داشته، و نسبت به دشمنان کمترین توجه را دارند. و تجربه ۳ ساله انقلاب ایران گواه صحت و دقت این مسائل است و اسناد لانه جاسوسی و چهره های اصلی مخالف در داخل و خارج بهترین شاهد و مدرک این مسئله می باشد. راستی چه کسانی و چرا مدنی و نزیه و مهدیون و محقق و حاج

باشند که سخن تلخ حق را بیشتر بتوبیگوید و کسی که در مورد کارهای ناپسند مورد نظر تو کمترین کمک را بتو بنماید، و همچنین خودت را به چسبان به افراد صادق و باتقوا، و آنان را راضی کن که تو را ستایند

*** حاکم اسلامی با استفاده از دو عنصر «تشویق» و «توبیخ» باید موجبات رشد استعداد های جدید و از بین رفتن آثار فرهنگ غلط گذشته، را فراهم کند.**



اشتر می خواهد که افرادی را راضی نماید که از او تعریف و ستایش بعمل نیارند و اگر چنین افرادی بودند، آنان را برای کارهای مهم و اصلی انتخاب نکند، زیرا ستایش و تعریف اینان، موجب ایجاد روحیه سرکشی و طغیان در حاکم می گردد. و در این رابطه حضرت از مالک می خواهد که بسیار مسئولانه و پیگیرانه برخورد نموده و پیوسته در راه یافتن و رشد دادن استعداد های جدید و از میان برداشتن آثار فرهنگ غلط گذشته باشد و در این جریان به مسئله توبیخ و تشویق بسیار اهمیت داده و از مالک می خواهد که:

و هرگز نباید که افراد درستکار و افراد خطاکار در نزد تو برابر باشند، زیرا در این صورت درستکاران در کار خود سست شده و خطاکاران در کار خود جری تر شده، تشویق می گردند، پس تو با هر کدام مطابق اعمال خودش رفتار کن

و زندگی پیامبر اسلام و امامان شیعه عملاً بر این منوال بوده است که حتی کارهای شایسته و لو کوچک و اندک که از افراد دیده می شد مورد تشویق آن بزرگواران قرار می گرفت و کارهای ناشایست و زشت نیز از چشم آنان بدور نبوده و مرتکبین را مورد توبیخ و ملامت قرار می دادند، بهمین جهت فیلسوف بزرگ و اندیشمند معاصر شهید استاد مطهری کتاب مستقلی تحت عنوان، «جاذبه و دافعه علی (ع)» نگاشته و ابعاد مختلف شخصیت آنحضرت را مورد بررسی قرار داده است که این شخصیت چند بعدی باید الگویی حاکمان و زمامداران اسلامی قرار گیرد، و در این رابطه (تشویق و توبیخ) «عامه» و توده های مرده نشان داده اند که شایسته ترین افراد جهت تشویق و بالا رفتن و بقدرت رسیدن هستند و «خاصه» و اقلبتهای

افرادى که در حکومت اسلامى مى رسند باید علاوه بر دافعتن صداقت و تقوى و کاردانی را نیز در نظر بگیرند تا تلخ نماند

روغنی و... را به بالاترین مقامات وزارت و ریاست و بزرگترین مسئولیتها رساندند؟ و این قماش افراد کدامین خدمت را در جمهوری اسلامی ایران انجام دادند؟ و از کدامین خیانت دریغ نمودند؟ چه جریاناتی هنوز از همپالگی های اینان دفاع کرده و می خواهند منافع اینها محفوظ بماند؟ اینان چه اندازه به اسلام و تشیع و امام علی (ع) نزدیکند؟... بگذریم...

امام علی (ع) پس از رد جدی و قاطع همکاران رژیم طاغوتی، برای همکاری با رژیم اسلامی، در مورد افراد جایگزین شونده علاوه بر دو شرط اصلی «تقوی» و «کاردانی» ملاکهای زیر را نیز جهت گزینش بهتر ارائه می دهد:

و باید برگزیده ترین نزدیکان، کسی جهاد

و در مورد کارهایی که انجام نداده ای تعریف نکنند، زیرا ستایش و تعریف زیاد موجب سرکشی و طغیان می شود.

این کلام مولا احتیاجی به توضیح ندارد و نشاندهنده اهمیتی است که در حکومت اسلامی به افراد صادق و متقی و لایق و کاردان داده می شود و نشاندهنده تنفیری است که اسلام از متعلق و افراد متملق و چاپلوس دارد و امام (ع) از مالک

زورمند و زرمند لایق توبیخ و ملامت و کنار گذاشته شدن از مسئولیت های حساس می باشند و بهمین جهت حضرت نامه را چنین ادامه می دهند:

و بدان که هیچ چیز در جلب و ایجاد حسن ظن حاکم به مردم موثرتر از: احسان و نیکی بدانان و سبک کردن هزینه زندگی آنها، و نرنجانیدن آنان در چیزی که بر آن حقی

بقیه در صفحه ۶۱

صفحه ۶۳

خصوصیت مسئولین....

ندارد، نیست پس باید کاری کنی که خوش بینی نسبت به مردم «رعیت» را بدست آوری، زیرا خوش بینی رنج زیاد را از تو دور می سازد و سزاوارترین شخص برای خوش بینی کسی است که بهتر او را آزموده باشی و سزاوارترین کس برای بدبینی کسی است که بد آزمایش داده باشد.

می بینیم که تاکید حضرت همچنان بر روی مردم دوستی و حسن ظن نسبت به مردم است و باور این مطلب که اگر رابطه حاکم و مردم بر اساس اسلام و بر اساس حسن ظن و همکاری متقابل صورت بگیرد، همان چیزی خواهد بود که اکنون در ایران وجود دارد. که وقتی مسئولین با کنایه و اشاره می فهمانند که درجهبها احتیاج به نیرو

هست. چندین برابر نیاز، افراد مراجعه می نمایند که مسئولین دیگر قدرت جذب آنها را ندارند ولی مردم همچنان اصرار می نمایند و عده ای حتی بعزت اعزام نشدن به جبهه (و در معرض شهادت قرار نگرفتن) دست به تحصن می زنند! ولی همانگونه که امام خمینی بارها به مسئولین تذکر داده اند باید کاری کرد که این رابطه هرچه بیشتر استوار شده و گسترش یابد و در این رابطه امام علی (ع) توصیه های عملی بسیار نموده اند که یکی از این توصیه ها که در این قسمت بیان شده است، مسئله نرنجاندن مردم و سبک کردن هزینه زندگی است «در اینجا به دو بعد مسئله اشاره شده است، یکی بعد معنوی و روانی و دیگری بعد اقتصادی، در بعد روانی اصولاً نباید موجب رنجش و گرفتاری و معطلی مردم را فراهم ساخت و این مسئله ای است که در نهادهای باقیمانده از رژیم گذشته و در بوروکراسی و کاغذ بازی ها همچنان باقی است ولی نهادهای جوشیده از

ادامه دارد»

تشکیلات سادات علوی....

کتاب بحارالانوار جلد ۱۱ مراجعه کرد که روایات متعددی در این زمینه ها آورده است و ما به ذکر چند نمونه اکتفا می کنیم.

در این زمینه ها از جعفر بن محمد بن اشعث نام برد که توانسته بود در دستگاه خلافتی نفوذ کرده و شغل استادی یکی از فرزندان خلیفه را بدست آورد و از آنجا اخبار حکومت را به امام برساند. قیام خونین «فتح» که حسین بن علی از نزدیکان امام به یاری چند ده تن از شیعیان مخلص بوجود آورده بودند که به نبردی بزرگ با یاران خلیفه دست زدند و جنگی شهید شدند. و روایتی دیگر حکایت می کند که در یک شب ۶۰ تن از یاران امام بدست حمید بن قحطه طائی طوسی گردن زده شدند. نشان از کین تیزی شدید دستگاه نسبت به شیعیان است.

و باز هم در این مقال می توان از روایتی نام برد که هنگامی خلیفه قصد زندانی کردن و تبعید حضرت را داشتند و برای بردن ایشان به بصره از بیم یاران امام چندین کجاوه یک شکل را در یک زمان حرکت دادند تا یاران امام را دچار چند دستگی کرده و از تیغ آنها در امان بمانند، هارون الرشید که صاحب یکی از وسیع ترین حکومتها

شکل گیری جهاد....

روستا داشته باشد. مشکل برخورد ما بیشتر با وزارت کشاورزی است زیرا ارتباط ما با آن بیشتر است. وزارت کشاورزی اشتباهات تصور می کند که وظیفه تامین خدمات روستایی را دارد. وزارت کشاورزی کمترین وظیفه اش این است. آنها مسئولیت سنگین وظایفی که در ابعاد سنگینی در آن وزارتخانه برودشان گذاشته شده فراموش کرده اند. اقتصاد مملکت ما حرکت نمیکند. تاکی باید اقتصاد ما به نفت متکی باشد و از این همه امکانات خدادادی محروم باشیم! طرح خدمات روستایی برای وزارت کشاورزی یک طرح شعاری است. شعار است که وزارت کشاورزی به روستاها می خواهد برسد، بلکه نمیتواند. ما امیدواریم که مسئولین، مسئولیت خود را درک کنند و اگر نمیتوانند مسئولیت خود را انجام دهند نپذیرند. ما مطمئنیم که اگر وظایف مشخص شود و استعدادهای نهفته ملت بکار گرفته شود و با مسائل برخورد صحیح و اسلامی شود این مشکلات حل میشود»

لازم به تذکر است که در بعد از ظهر روز سمنار کمیته های تخصصی نیز تشکیل جلسه میدادند.

در طول تاریخ بوده است آن چنان از اوج گیری نهضت علویان به رهبری امام هفتم به هراس افتاد و مستاصل شد که چاره را در زندانی کردن آن حضرت دید تا شاید بخيال خام خود نهضت علویان را خاموش کند و دستور زندانی کردن حضرت را داد. امام هفتم در زندان آنطور رفتار کرد که تمام زندانبانان و کسانی که به نحوی در زندانی کردن او دست داشتند از کرده خود پشیمان شدند و فضل بن یحیی یکی از این کسان بود. موسی بن جعفر (ع) در آن دوران سیاه ظلمانی حکومت خلفای جور، خورشیدی بود که می درخشید و از پرتو نورش هر لحظه حکومت عباسی به پرتگاه سقوط نزدیکتر میشد و آخر الامر هارون الرشید امام هفتم را خود در زندان به شهادت رساند تا شاید محور نهضت علویان را از بین ببرد و این کار را هم کرد. اکنون بر ما بیروان خط خونین تشیع است که میلاد این امام بزرگوار را فرصتی شمرده و با رجوع به کتب تاریخی از زندگی آن حضرت درس بگیریم و نهضت اسلامی مان را یاری ببخشیم.

توضیح - روایات تماماً از کتساب بحارالانوار جلد ۱۱ تالیف مجلسی اخذ شده است.